

حدیث روز: خداوند، انگشت نما شدن در امام رضا(ع)؛ خداوند، انگشت نما شدن در عبادت و انگشت نما شدن در برابر مردم را ناخوش می‌دارد.

پلک احساس: معشوق تو همسایه و دیوار به دیوار در بادیه سرگشته شما درجه هوا بید

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۵:۳۰
اذان مغرب: ۴:۴۴
اذان صبح (فردا): ۴:۰۲

غروب آفتاب: ۲:۲۳
نیمة شب شرعی: ۰۰:۱۳
طلوع خورشید (فردا): ۵:۴۸



ساکن دارالامان

که که ای صوفی شراب
آنکه شود صاف / که
در شیشه بماند
اربعینی
امسال - سال ۱۳۹۸ -
رفاقت من با ابراهیم
سلطانی فر از مرز
۴۰ سال گذشت، از ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷.

در طول این ۴۰ سال گاه بوده است که چندین شبانه روز- در سفر یا حضر- با هم زیسته ایم و گاه بوده است که ماه‌ها از هم بی‌خبر بوده ایم، اما هرگز نه آن فاصله‌ها و بی‌خبری‌ها از رفاقت مان کاسته و نه معیت و هم‌زیستی‌ها بر آن افزوده، همچنان که رسم رفاقت‌های عمیق و ریشه‌دار همواره اینچنین بوده است. به‌خصوص آن رفاقت‌ها که در کوره حوادث سخت و طاقت‌سوز، آب‌دیده شده و جوهر و عیار آن به خلوص تمام و کمال رسیده. هنوز روشن و شفاف پیش چشم من است تصاویر و حضور ابراهیم در شب‌های پراشتاب انقلاب و پاسداری از حریم دانشگاه. گرچه نگاتیوهای موجود در تاریخانه حافظ‌ها، دوستان متعددی را ثبت کرده است: عبدالرضا فریدزاده، حسین جعفری، تاجبخش فتائیان، مرحوم سعید کشن‌فلاح و... اما در برخی از فریم‌ها تنها تصویر دو مرد جلوه‌گری می‌کند که یکی از آن دو ابراهیم است، سلطانی‌فرو دیگری شیوا دوستانی. که مثل دو بال از دو سو گسترده می‌شدند و هر کدام با چهارچشم تمام مرزها و حریم‌ها را پوشش می‌دادند. نصیب اولی غفران و رحمت باد و دیگری طول عمر با عزت و عافیت.

اکنون و در چشم نسل امروز اگرچه ممکن است که سکه آن خاطرات از اعتبار افتاده باشد و جای خود را به افتخارات دیگر سپرده باشد، اما کودک همواره برای پدر و مادر عزیز است، گرچه از اصل خود دور افتاده باشد.

انقلاب برای ما به مثابه کودکی است که برای رشد و بالندگی اش برخی جانمان را، بعضی جوان‌مان را و بسیاری جوانی‌مان را فدا کردیم پس یاد آن عزیزان ممدل و همراه، در حیات و ممات‌شان همواره گرمی است و پاداش انگیزه‌های الهی‌شان نزد خداوند شکور، محفوظ.

برگردیم به رفاقت با ابراهیم. همان کاری که در طول این ۴۰ سال می‌کردیم. دست روزگار و حوادث و وقایع بی‌شمار در ایجاد فراق و فاصله، کوتاهی نمی‌کرد، اما دل‌هایمان مدام موانع را پشت سر می‌گذاشت و فاصله‌ها را در می‌نوردید و پیوند و پیمان‌مان را تمدید و تجدید می‌کرد.

همه این حرف‌ها مقدمه بود برای بیان یک کلام و آن این‌که: من در طول ۴۰ سال رفاقت با ابراهیم، کمترین و کوچک‌ترین خطا و جفایی از این رفیق شفیق ندیدم. ۴۰ سال زمان کمی نیست. به زبان آسان می‌آید.

و احتمال لغزش و گناه، از پر قنداق همراه آدمی است. و مگر می‌شود که از دیکته

۴۰ ساله، هیچ غلطی نتوان گرفت؟! به حق حق

که ابراهیم در رفاقت فی‌مابین چنین بوده

است. و من در محضر خداوند متعال با همه

دلم شهادت می‌دهم که: ا...م! انی لا اعلم منه

الاخیرا.

و گمان می‌کنم که رفیقان دیگر نیز در این شهادت با من همدل و هم‌نویسند. و این بهترین ره‌توشه مسافر است به هنگام سفر و گمان نمی‌کنم که از این کاروانسرا و منزل فانی، سوغاتی آسمانی‌تر از این بتوان با خود برد.

فقدان ابراهیم گرچه برای همه ما، از همسر ارجمند تا فرزند دلبد تا رفیقان درند، بسیار دشوار است، اما آنچه این جراحت هجران را مرهم و درمان می‌شود، سکنای او در دارالامان و از آن مهم‌تر، مهربانی بی‌بدیل میزبان است. ﺍ

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

■ شماره: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰ ■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir ■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

سه‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ | ۱۴ شوال ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۰۹ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Tuesday - 2019 June 18

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران ۲۵ / ۳۶ | **اردبیل** ۸ / ۲۴ | **بندرعباس** ۲۸ / ۴۰ | **ساری** ۲۳ / ۳۱ | **سنندج** ۱۵ / ۳۴ | **شهرکرد** ۱۰ / ۳۳ | **همدان** ۱۰ / ۳۱ | **کرمان** ۲۱ / ۳۵



گفت‌وگو با مریم سعادت و خاطره‌بازی درباره سریال «بدون شرح»

لودگی جای طنز را گرفته

■ برای ما روزنامه‌نگاران، سریال «بدون شرح» که سال ۸۱ اولین بار از شبکه سه پخش شد، یکی از آن توانست مردم زیادی را با خود همراه کند. این سریال مدتی است برای چندمین بار روانه آنتن شده و باز هم بیننده‌های زیادی دارد. با مریم سعادت هم صحبت شدم تا برآیمان از چگونگی تولید بدون شرح و موفقیت آن بگویید.

■ **کار خوب گروهی**

سعادت که خودش بازپخش بدون شرح را می‌بیند و اکنون از برخی قسمت‌ها و سکانس‌های آن بسیار راضی است و از برخی نه، موفقیت بدون شرح را حاصل یک کار گروهی خوب و اعتماد به یکدیگر می‌داند و می‌گوید: تهیه‌کننده بدون شرح آقای کاشانی، آدم بسیار کاربلدی بود که نمی‌دانم به چه دلیل سال‌هاست خبری از او نیست، تیمی که او جمع کرد آن قدر خلاق و با اخلاق بودند که نتیجه کار رضایت همه را جلب کرد. آقای آتیش، مشاور هنری کار بود و به نظرم حضورش تاثیر زیادی در کار داشت.

بازیگرانی که انتخاب شدند، هوشمندانه بود.

زمانی که به من گفتند نقش اصلی مرد را آقای اویسی قرار است بازی کنند، راستش جا خوردم.

می‌دانستم بازیگر خوبی است اما هیچ تجربه کار کمدی نداشت. با آن چهره‌ای که از او در ذهن داشتم، خشن با ابروهای گره شده در هم، اما پذیرفتم و اعتماد کردم و خدا را شکر نتیجه خوب

شد. انتخاب آقای امیر جعفری هم ریسک بزرگی بود. او تا آن زمان فقط در تئاتر کار کرده بود و تجربه حضور در تلویزیون را نداشت. کم حرف بود و تقریباً گوشه‌گیر. اوایل سخت بود که بپذیریم او چگونه از پس نقش برخواهد آمد اما گروه سازنده کارشان را بلد بودند و همه چیز سرجای خودش قرار گرفت و کار چفت و بست خوبی پیدا کرد.

■ **این طنز نیست!**

سعادت می‌گوید، قبل از بدون شرح، سری اول سریال زیرآسمان شهر توانست نظر مردم را جلب کند و قدم خوبی برای سریال‌های طنز بود. خیلی‌ها فکرش را هم نمی‌کردند که بدون شرح بتواند موفقیت زیرآسمان شهر را تکرار کند حتی از آن هم سبقت بگیرد. یکی دیگر از دلایل موفقیت بدون شرح و سریال‌هایی که آن سال‌ها ساخته می‌شد و تم کمدی و طنز داشت و موفق می‌شد، تمرین‌های قبل از شروع تصویربرداری بود. اتفاقی که برای آثاری مانند خوش رکاب و خوش غیرت و سری اول دردسرهای عظیم هم افتاد. ما دورخوانی داشتیم و در زمان تصویربرداری، نویسنده یا نویسندگان سر صحنه بودند و اگر پلان و سکانسی باید اصلاح می‌شد خودشان دست به کار می‌شدند یا گفت‌وگوها را بازنویسی می‌کردند. راستش مثل الان نبود که ۹۰ قسمت سریال را کلید بزنند بدون هیچ پیش‌زمینه یا تمرینی. الان دیگر نویسنده‌ها سرصحنه نمی‌آیند و راستش را بخواهید کسی به کیفیت کار دقت ندارد. همه می‌خواهند، کار زود تمام شود و آنها

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۳۹
■ تلفن: ۰۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۲ - کد پستی: ۱۹۱۹۱۸۱۳۰
■ امور مشترکین: ۴۴۲۹۳۰ - سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۴۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۱۱۲۴۰ - روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت هم‌زمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

امروز در تاریخ:

■ درگذشت آقا محمدخان قاجار، اولین پادشاه قاجار در گرجستان (۱۷۲۶ ش)
■ درگذشت فقیه‌ره جرمی، نویسنده و رمان‌نویس معاصر (۱۳۴۲ ش)
■ درگذشت ماکسیم گورکی، نویسنده معروف روسیه (۱۹۳۶ م)

حکمت ۱۴۰:
■ آن که میانه‌روی کند تهیدست نخواهد شد.

مقطع حساس کنونی حکایت مراض و ساترفیوژ و کنیزک زیارو

■ دریکی از نواحی شرق دور، نرسیده به رودخانه بزرگ، مراضی زندگی می‌کرد که برای دوری از دنیا در جنگل برای خود کلبه‌ای درست کرده بود و در آنجا برگ درخت می‌خورد و به تامل در

احوال هستی می‌پرداخت. روزی وزیر اعظم آن ناحیه که برای بازدید از پروژه‌های عمرانی به جنگل رفته بود، مراض را دید و نورانیت او را پسندید و از او خواست برای ارشاد مردم و بیان جملات قصار پندآموز به دربار برود. مراض پذیرفت، وزیر اصرار کرد. مراض باز نپذیرفت. وزیر گفت: اقلاً برای مدتی کوتاه و نه دائم و در قالب یک پروژه به دربار بیا و ما را از وجود خود مستفیض فرما. مراض قبول کرد و با وزیر و همراهان به سمت کاخ به راه افتاد. وقتی به کاخ رسیدند وزیر دستور داد باغچه ملوکانه را برای اقامت مراض مهیا کنند و تیم آشپزی و خدمات در باغچه مستقر شوند و به مراض غذاهای خوب بدهند، بخورد و یک کنیزک خوب‌روی را نیز به عقد وی درآورند. چندی بعد وزیر تصمیم گرفت به نزد مراض برود تا مراض او را نصیحت بکند و پندی بدهد. وقتی به نزد مراض رسید او را دید که نپل شده بود و لباس‌های برند پوشیده بود و دو نفر از خدمتکاران او را باد می‌زدند و کنیزک حبه حبه انگور در دهان وی می‌گذاشت.

وزیر گفت: سلام بر مراض بزرگ، گویا خوش می‌گذرد. مراض گفت: بلی ای وزیر، هیچ دشواری نداریم. وزیر گفت: آخ که من به دانشمندان و مراضان چقدر علاقه دارم. در این هنگام مشاور اعظم که مریدی آگاه بود گفت: ای وزیر، شما بودجه‌های پژوهشی را معطل می‌گذارید و دانشمندان بیکارند و ساترفیوژها از چرخش افتاده‌اند و چرخ زندگی مردم هم باد ندارد، بجایش مراضان را در باغچه سکونت می‌دهید تا چاق شوند و هدر بروند. فکر نمی‌کنید دارید اشتباه می‌نیزد؟

وزیر که از این سخن جا خورده بود در اندیشه شد و گفت: به خدا که اشتباه می‌زدم. پس دستور داد مراض را به جنگل برگردانند و بودجه‌های پژوهشی را تصویب کنند و خود به باغچه مورد نظر برگشت و در آنجا دور از انظار عمومی کمی خاموش شد. ﺍ

ترس جورج کلونی از داعش



بازیگر آمریکایی، جورج کلونی درباره سلامت اعضای خانواده‌اش ابراز نگرانی کرد.

به گزارش تابناک، این نگرانی بابت پرونده حساسی است که همسرش امل کلونی، وکیل بین‌المللی علیه داعش به عهده گرفته است. جورج کلونی در مصاحبه با سایت‌هالیوود ریپورتر درباره هر گونه تعرض و آسیب به فرزندانش ابراز نگرانی کرد و گفت آنها در فضای امنیتی سختی زندگی می‌کنند.

امل کلونی دفاع از قربانیان تجاوز و نسل‌کشی داعش را در شورای امنیت پذیرفته و خواسته داعشی‌ها به جرم تجاوزهایشان در عراق و سوریه محاکمه شوند.

امل کلونی، نماینده قربانیان عراقی از جمله نادیا مراد، برنده جایزه صلح نوبل است. نادیا مراد درباره رنج و محنت زنان ایرزدی‌ای که از سوی افراطی‌های داعش ربوده و مورد تجاوز و قتل قرار گرفته بودند، افشاکری کرده بود.

جورج کلونی بازیگر ۵۸ ساله می‌گوید بعد از این ماجرا سبک زندگی‌اش تغییر کرده و با آزادی نمی‌تواند همراه دو قلوهایش قدم بزند و ترس از امنیتشان او را از این کار باز می‌دارد.

تیمسلاور - روستای خروا، عکس، ایران



ویژه‌نامه‌های استانی کرمانشاه

نیازمندی استان‌های قم و اصفهان

ضمیمه رایگان امروز